



RS

آب، کلید روابط
افغانستان با همسایگان

سه سال پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، بسیاری از کشورهای غربی همچنان از به رسمیت شناختن این گروه افراطی امتناع می‌کنند تا اینکه اقدامات ممنوعه خود مانند سرکوب سازمان یافته زنان یا بازداشت‌های فراقانونی و کشتار مخالفان احتمالی سیاسی را متوقف کنند.

قابل توجه است که غرب بر مسائل بشردوستانه تاکید داشته باشد اما دولت طالبان سرسختانه‌تر در صدر حکومت باقی مانده و به درخواست‌های نیروهای بین‌المللی که آنها را در آگوست ۲۰۲۱ شکست داد، گوش نمی‌دهد.

تعلیق در به رسمیت شناختن طالبان تاکنون به عنوان انگیزه مؤثری برای تعدیل رفتار طالبان عمل نکرده؛ به‌ویژه زمانی که چندین کشور منطقه‌ای هم‌اکنون در کابل به‌تعمیل می‌پردازند. چین، ایران و پاکستان، روسیه و چندین کشور آسیای مرکزی سیاست‌های عملگرا و تعاملی را نسبت به طالبان پیش گرفته‌اند تا مسیر تجارت «جاده ابریشم» را احیا کنند که بخشی از پروژه عظیم «یک جاده، یک کمربند» است و افغانستان را به مرکز اصلی لجستیک برای صادرات منطقه‌ای از جمله نفت تبدیل می‌کند. این رویکرد امور داخلی طالبان را قابل توجه نمی‌داند. حتی با حمایت کشورهای دیگر به جز غرب، بحران بد روزافزون آب تهدیدی شدید و فوری را برای جان و زندگی افغان‌ها ایجاد می‌کند. ارزیابی‌های زمینی نشان می‌دهند که انزوای طالبان عوامل اساسی بحران را تشدید کرده که منجر به کمبود مواد غذایی، گرسنگی، مشکلات سلامت ذهن و گسترش بیماری‌های عفونی شده است. تا الان، بازیگران خارجی نسبت به این مشکل بی‌تفاوتی نشان داده‌اند اما اگر نادیده گرفته شوند، شرایط کنونی احتمالاً به فاجعه بشردوستانه گسترده‌تری تبدیل می‌شود. این بحران، تهدید مستقیمی برای حکومت طالبان است و می‌تواند به غرب مزیت بیشتری نسبت به سیاست‌های امدادی پیشین ارائه دهد. در حالی که نهادهای بین‌المللی غربی بر سیاست‌های سرکوب‌گرایانه طالبان متمرکز است، در مقابل در رسانه‌های جریان اصلی گزارش‌های بسیار کمی درباره فشارهای مرتبط با تغییرات آب و هوایی بر جمعیت ۴۳ میلیونی افغانستان نوشته شده است. افزایش دما و تغییر آب و هوایی مثل آب شدن یخچال‌ها، سیل، خشکی و زلزله حالا منجر به نابودی منابع آبی مهم و تاسیسات افغانستان شده است. از هر ۵ افغانستانی، ۴ نفر حالا دسترسی به آب پاک ندارند و فقط ۲۷ درصد از جمعیت روستایی امکان استفاده از تجهیزات بهداشتی را دارند. افغانستان در لیست کشورهای که در معرض بیشترین خطر بحران آب و هوایی دارد، در رتبه چهارم قرار گرفته و در شاخص کشورهای آسیب‌دیده و کمترین آمادگی را برای سازگاری خود با تغییرات آب و هوایی دارد. این فشارها هر دولتی را عوض می‌کند، چه برسد به حاکمان فعلی افغانستان که جنگجویانی بدون تحصیلات کافی اند. آن‌ها توانایی ارزیابی مدیریت عوامل جغرافیایی و آب‌وهوایی بسیار پیچیده را ندارند که می‌تواند بر پایداری اقتصادی تمام منطقه جنوب آسیا تأثیر بگذارد. با وجود گزارش‌هایی مبنی بر اختلافاتی در سطح رهبری این کشور طالبان یک بدنه متحدی نیست، ممکن است برخی در داخل طالبان از تبعات قریب‌الوقوع عدم توانایی آنها در مدیریت بحران آگاهی داشته باشند. به گفته وزیر انرژی و آب افغانستان، امسال تلاش‌ها برای مدیریت آب‌های زیرزمینی در این کشور قرار است با حدوداً ۳۰۰ پروژه در ولایت‌های مختلف اجرایی شود. پروژه نوسازی در ۶ پروژه اصلی آب آغاز شده که شامل سد پشتون، سد کمال خان، سد توری بخش آباد، سد عروس و شاه است و ساخت و سازها قرار است برای ۱۱ سد دیگر آغاز شود تا آب جمع‌آوری شده و به کانال‌های آبیاری وارد شود. اما این پروژه‌ها برای تأمین نیاز مردم افغانستان به آب کافی نیستند. اکثر این پروژه‌ها در مناطق حومه افغانستان نیست چون کوه‌های بلند و شرایط نزدیک به کوه‌های آلپ، مازاد آب را به همراه دارد. اما توزیع آن آب به دلیل سیستم‌های قدیمی به شدت مختل شده است. افغانستان سالیانه ۳۰ درصد از منابع آب‌های در دسترس را مصرف می‌کند؛ ۷۰ درصد از آن به دلیل کمبود زیرساخت، تاسیسات کمبود آب و سیستم‌های توزیع ناکافی از دست می‌رود.

مناقشه آب یکی از دلایل اصلی بحران بین افغانستان و همسایگانش است. جنگ‌های آبی موضوع جدیدی نیستند و به‌زودی به آسیای مرکزی کشیده می‌شوند. کشوری که حیات اقتصادی آن به کشاورزی بستگی دارد، تأمین آب داخلی کافی و آبیاری قابل اعتماد، موضوعاتی اساسی به‌شمار می‌روند.



تکسی: Anadolu Agency

رهبری از زیر زمین

درباره یحیی سنوار، که به ریاست شاخه سیاسی حماس



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

جنبش مقاومت اسلامی حماس روز سه‌شنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد یحیی سنوار را به جانشینی اسماعیل هنیه که هفته گذشته در اقامتگاهش در تهران از سوی اسرائیل ترور شد، منصوب کرده است. یحیی ابراهیم حسن السنوار ۶۹ ساله، مشهور به ابوالبراهیم مؤسس سازمان امنیتی حماس (مجد) و یکی از رهبران ارشد جنبش حماس است. اسرائیل سنوار را عامل اصلی حمله هفتم اکتبر می‌داند و یکی از اهداف جنگی خود را حذف او اعلام کرده است. اما سنوار کیست و چرا جانشین هنیه شد؟ دیوید رمنیک، روزنامه‌نگار، نویسنده، برنده جایزه پولیتزر و از سال ۱۹۹۸ دبیر مجله نیویورکر است. او در گزارشی با تیتیر «یادداشت‌هایی از زیر زمین» پرتره کاملی از شکل‌گیری حیات سیاسی و سرگذشت سنوار ارائه می‌دهد. رمنیک این گزارش را براساس گفت‌وگو با افراد نزدیک به سنوار، روزنامه‌نگارانی که با او مصاحبه کرده‌اند و فعالان صلح فلسطینی و همچنین کتاب زندگی‌نامه سنوار نوشته است. او یافته‌های خود را با یک پرونده دست‌نویسی شده ۶ صفحه‌ای به‌زبان عبری به‌تاریخ ۸ فوریه ۱۹۹۹ آغاز می‌کند که از آرشیو دادگاه‌های نظامی اسرائیل به‌دست آمده‌اند. در آن سال سنوار ۳۶ سال داشت و در زندانی در صحرای نقب ۱۱ سال از محکومیت خود مبنی بر ۲ بار حبس ابد را گذرانده بود. سنوار در این پرونده اعتراف می‌کند که یک سال قبل از داخل زندان در طراحی گروهان‌گیری یک سربراز اسرائیلی دست داشته است. سنوار این طرح را با همکاری هم‌سلولی‌اش، محمد شراطا، فرمانده حماس که به‌اتهام آدم‌ربایی و قتل ۲ سربراز اسرائیلی حبس طولانی‌مدت خود را می‌گذراند، برنامه‌ریزی کرده بود. رمنیک می‌نویسد: «از همان ابتدا سنوار زندان اسرائیل را یک دانشگاه می‌دانست؛ مکانی برای یاد گرفتن زبان، روان‌شناسی و تاریخ دشمن.» سنوار همانند بسیاری از فلسطینی‌های دیگری که «زندانی‌های امنیتی» شناخته می‌شوند، زبان عبری را کاملاً یاد گرفت. او روزنامه‌های اسرائیلی را می‌خواند، برنامه‌های رادیویی عبری را گوش می‌داد و در کنار آن کتاب‌هایی درباره نظریه‌پردازان سیاستمداران و رؤسای اطلاعاتی صهیونیستی را مطالعه می‌کرد. سنوار به‌رغم محکومیت طولانی به زندان، در هر لحظاتی برای فردای آزادی و تقویت جنبش مقاومت خود را آماده می‌کرد. او حتی در زندان هم به مبارزه ادامه می‌داد. سال ۱۹۹۸، پس از آنکه او و شراطا به‌این نتیجه رسیدند که برای آزادی زندانیان فلسطینی امیدی به استفاده از ابزار سیاسی وجود ندارد، طرح دیگری را پایه‌ریزی کردند: آنها برای

برسانند. اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها تصویر سنوار را با موی و ریش سفید، گوش‌های برجسته و نگاهی نافذ می‌شناسند. او قد کوتاهی دارد و تمام محافظانش از او بلندترند. سنوار در عکس معروفی از خود که در سال ۲۰۲۱ پس از ۱۱ روز مبارزه با اسرائیلی‌ها منتشر کرد، روی یک میل تک‌نفره نشسته، پاهایش را روی هم انداخته و لبخندی کم‌تر دیده شده و نگاهی خیره دارد. اطراف او ویرانه‌هایی است که زمانی خانه‌اش بود. این عکس بلافاصله در میان مردم غزه دست به دست شد و آنها هم مقابل ویرانه‌های خانه‌های خود عکسی مانند سنوار را در فضای مجازی منتشر کردند.

برای شناخت بیشتر سنوار می‌توان سراغ کتاب زندگی‌نامه او رفت که سال ۲۰۰۴ زمانی که همچنان در زندان بود، نوشته است. این کتاب روایتی از زندگی اوست که دست‌نوشته‌هایش به کمک زندانیان به آن طرف دیوار رسیده و مخاطب را با ذهنیت سنوار آشنا می‌کند: پرتره‌ای از زندگی یک فلسطینی و جنبش مقاومت. این کتاب از زبان احمد، هم‌زاد سنوار روایت شده است.

شکل‌گیری حماس

ماجرا به ژوئن ۱۹۶۷ برمی‌گردد؛ در دورانی که به جنگ عروزه معروف است. سنوار در کتاب خود می‌نویسد، در آن زمان جنگ میان مصر و اسرائیل درگرفته بود و اولین شکست امید برای پایان جنگ با آزادی فلسطین را رقم زد. اسرائیل در این جنگ پیروز شد و غزه و شبه‌جزیره سینار را در مصر، بلندی‌های جولان را از سوریه و همچنین کرانه باختری از جمله شرق اورشلیم را در اردن به‌شغال درآورد. سنوار کودکی خود را در دوران سرکوب شدید، منع رفت و آمد، بازجویی‌ها، بازداشت‌ها و حمله سربازان به خانه‌ها و آزار و اذیت مردم گذرانده است. در ۶ اکتبر ۱۹۷۳، رادیو خبر از وقوع جنگ دیگری داد. مصری‌ها و سوریه‌ها به‌دنبال انتقام شکست سال ۱۹۶۷ در روز مقدس یهودی «یوم کپور» با اسرائیل درگیر شدند اما بار دیگر امیدهای سنوار و اطرافیانش برای پیروزی شکست خورد. انورسادات، رهبر مصر به کنست، پارلمان اسرائیل رفت و برای صلح اعلام آمادگی کرد. سنوار این لحظه را یک فاجعه و خیانت به آرمان‌های فلسطین دانست. سنوار در کتاب خود می‌نویسد که هرگونه رویایی با اسرائیلی‌ها یا خشونت‌بار بود یا از نظر اخلاقی شرم‌آور.

گروهان‌گیری یک سربراز اسرائیلی به آدم‌ربایی در خارج از زندان پول دادند. در ازای آزادی این سربراز، آنها خواستار آزادی حداقل ۴۰۰ نفر از زندانیان فلسطینی شدند. سنوار برای اجرای این طرح در نامه‌ای به شیخ احمد یاسین، بنیانگذار و رهبر معنوی حماس، درخواست خودمبنی بر کمک ۱۵۰ هزار دلاری را مطرح می‌کند. در نهایت این طرح با دستگیری یکی از برادران شراطا تا تمام می‌ماند تا در نهایت پایه‌گذار حملات طرح هفتم اکتبر تاکنون باشد. سال ۲۰۰۶، سربرازان حماس از تونلی در غزه عملیاتی فرامرزی را انجام دادند. آنها وارد یک پایگاه نظامی اسرائیلی در روستای کرم شالوم شدند، ۲ سربراز را کشتند و سومی، سرخوهای ۱۹ ساله به‌نام گیلا شلیت را به‌گروگان گرفتند. در آن زمان بحث‌های زیادی حول این محور وجود داشت که آیا جان یک سربراز در قبال آزادی عده بسیاری از زندانیان فلسطینی ارزش دارد یا نه. شلیت در نهایت در سال ۲۰۱۱ در قبال آزادی بیش از هزاران فلسطینی، از جمله یحیی سنوار و محمد شراطا آزاد شد.

سنوار خیلی زود رهبری حماس را برعهده گرفت و در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به‌همراه محمد ضیف، فرمانده نظامی حماس طوفان الاقصی را اجرا کرد که ویرانگرترین حمله به اسرائیل در نیم‌قرن گذشته محسوب می‌شود. جنگی که پس از آن به‌راه افتاد تاکنون باعث کشته شدن ۴۰ هزار فلسطینی شده و همچنان سیاست‌های جهان را ملتهب نگه داشته است. اسرائیل اعلام کرده تا نابودی رهبر حماس و نزدیکانش که «مردگان متحرک» خوانده بود، عقب‌نشینی نخواهد کرد اما با وجود گذشت دست‌کم ۹ ماه از حمله اسرائیل به غزه هنوز اثری از سنوار دیده نشده است. باورها بر این است که سنوار در شبکه‌های گسترده تونل‌های زیرزمینی و در عمق شهرهای بزرگ و کوچک و اردوگاه‌های پناهجویان در نوار غزه زندگی می‌کند. مقامات امنیتی در اسرائیل و آمریکا و همچنین منابع مستقل فلسطینی به رمنیک گفته‌اند سنوار با وجود زندگی در تونل‌ها نقش مهمی در مذاکرات آتش‌بس احتمالی دارد. در ابتدای جنگ، باورها بر آن بود که مقر زیرزمینی سنوار در شهر جنوبی خان یونس، محل تولد او باشد، سپس با نزدیک شدن ارتش اسرائیل، سنوار احتمالاً به جنوب غزه و به یک اقامتگاه زیرزمینی در رفح رفته است. سنوار به‌وسایل ارتباطی الکترونیکی اعتماد ندارد و در عوض پیام‌های کتبی و شفاهی خود را با معتمدان خود می‌دهد تا به‌گوش رهبران حماس می‌کند.

سنوار زندان اسرائیل

را یک دانشگاه

می‌دانست؛ مکانی

برای یاد گرفتن

زبان، روان‌شناسی و

تاریخ دشمن.» سنوار

همانند بسیاری از

فلسطینی‌های دیگری

که «زندانی‌های

امنیتی» شناخته

می‌شوند، زبان عبری

را کاملاً یاد گرفت.

او روزنامه‌های

اسرائیلی را می‌خواند،

برنامه‌های رادیویی

عبری را گوش

می‌داد و در کنار آن

کتاب‌هایی درباره

نظریه‌پردازان،

سیاستمداران و

رؤسای اطلاعاتی

صهیونیستی را مطالعه

می‌کرد.